وضوح تواتر قرائات سبع الی النبی (ص) نزد علامه حلی

عبارت صفحه هفتم بودیم. استشهاد صاحب مفتاح الکرامه به عبارت علامه به کجا خورد؟ به «**و لو قرأ بذلک صحّت صلاته بلا خلاف**» خورد. مرحوم آسید جواد میفرمایند:«**و ظاهره فیه القول بتواترها إلی النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم**». من طلبه ابتدا شکر میکنم که محضر قلم علمائی این چنین هستیم و استفاده میکنیم. ولی خب خود علماء گفته‌اند مباحثه را پی جویی کنید. عرض من این است که در اینجا کسی که مورد اعتماد علماء است، یک کلمه میگوید ولی فضای واضح بحث علمی عوض میشود. من به‌عنوان طلبه‌ای که از محضر این عالم بزرگ استفاده میکنم، سر این کلمه «ظاهر» خیلی عرض دارم. در این مباحثه چند سال بر ما گذشته که الآن به این محکمی عرض میکنم؛ چند سال رفت‌وبرگشت شده؛ اما الآن عرض میکنم شما که محل اعتماد در فقه هستید، نباید بگویید «ظاهره». «ظاهر» کجا است؟ از نص بالاتر است. نص یعنی قطعی الدلاله، اما اینجا ارسال مسلم است. یعنی اصلاً ظاهر کلام علامه این نیست.

خب من از کجا میگویم؟ یکی از چیزهایی که در اینجا تعبیر «ظاهره» را در فضای کلام علامه آورده، تقطیع عبارت او است. اول اینکه «احبها» عبارت ایشان نیست، «احب القرائات» است. از «احبها» معلوم میشود که ایشان از جای دیگر دیده‌اند و کتاب زند ایشان نبوده است. ثانیاً من عبارت منتهی را میخوانم، شما از قبل آن ببینید، عبارت ایشان «ظاهره» به دست میآید؟

شاگرد: یعنی شما میفرمایید نص است؟

استاد: از نص بالاتر است. یعنی اصلاً به ذهن علامه حلی خطور نمیکند که چیزی که ایشان میگوید احتمال میرود. تعبیر «ظاهره» را از کجا میآورند؟ قبلاً هم فرمودند اینکه علامه میفرمایند «صحت بلاخلاف»، یعنی «اجمعت طائفة الامامیه» بر اینکه ممضای از طرف شارع است. ولو تقیه ممامشاتی باشد. ظاهر این است. میگوید ظاهرش تواتر است اما احتمال اینکه منظور علامه از «صحت بلاخلاف»، یعنی خلافی نیست که این قرائت امضاء شده است. نه اینکه قرائت از حضرت صادر شده است. منظور از «ظاهره» این است و من هم مقابل «ظاهره» را عرض میکنم. آیا عبارات علامه این است؟! علامه میگوید بلاخلاف که نماز او درست است، چون اجماع داریم، اما نمیدانیم این هفت قرائت از حضرت صادر شده ای نه.

ابتدا عبارت منتهی را بخوانیم، بعد به جای دیگر بر میگردم.

یکی از مستشرقین میگوید مضطرب ترین متن کل تاریخ بشر قرآن است. دو کتاب دارد و ظاهرا در کتاب دومی این مطلب را دارد. در منتهی از علامه حلی عبارتی دیدم که جواب این است. خیلی قشنگ است. او میگوید اتفاقا متن حقوقی و فقهی این است. سالها قبل از اینکه تو به دنیا بیایی، علامه حلی در منتهی بوضوح جواب حرف تو را داده‌اند! اما تو میگویی چطور میشود که

کتاب حقوقی مضطرب بشود و اینطور بخوانیم ای آنطور بخوانیم؟! کدام یکی از اینها است؟!

> **مسأله: و لو انقطع دمها حلّ وطؤها قبل الغسل.و هو قول أكثر علمائنا...لنا: قوله تعالى وَ لا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ بالتّخفيف، أي: حتّى يخرجن من الحيض، فيجب القول بالإباحة بعد هذه الغاية...احتجّ المانعون بقوله تعالى: حَتَّى يَطَّهَّرْنَ بالتّشديد، أي: يغتسلن، و لأنّها ممنوعة من الصّلاة بحدث الحيض فلم يبح وطؤها كما لو انقطع لأقلّ الحيض...و الجواب عن الأوّل: أنّا قدّمنا انّ التّخفيف قراءة، فصارت القراءتان كآيتين، فيجب العمل بهما، فتحمل عند الاغتسال و عند الانقطاع، أو نقول: يحمل قراءة التّشديد على الاستحباب، و الأولى على الجواز، صونا للقراءتين عن التّنافي.[1]**

«احتجّ المانعون»؛ کسانی که می‌گویند به صرف طهر نمی‌شود و حتماً باید «یطهّرن» خوانده شود، و باید غسل کنیم،**«بقوله تعالى: حَتَّى يَطَّهَّرْنَ بالتّشديد، أي: يغتسلن»**.

«و الجواب عن الأوّل»؛ حالا می‌خواهند جواب بدهند. جواب این مستشرق است. بهترین بیان است. قبلاً هم صحبت کردیم. آن وقت هم عبارت ایشان را ندیده بودم. عین همان مطالبی است که در مباحثه چند جلسه بحث کردیم. حتی گفته بودیم ابن جزری هم خوب نگفته بود. همان چیزی را ابن جزری نگفته، زیباترش را علامه در اینجا دارند.

«و الجواب عن الاول»؛ اول این بود که «یطهّرن» خوانده شود و غسل کنند، **«أنّا قدّمنا انّ التّخفيف قراءة»؛** قرائت به چه معنا است؟ یعنی یکی امر شاذ؟ نه، یعنی قرا سبعه. وقتی علامه در میان خودشان قرائت می‌فرمایند یعنی قرا سبعه.«یطهّرن» برای چه کسی است؟ هفته قبل عرض کردم برای ابن عیاش از عاصم است. «یطهُرن» برای چه کسی است؟ برای حفص از عاصم است. می‌فرمایند هر دوی آنها قرائت است. خب حالا چه کنیم؟ به به! یک کتاب قانون دو قرائت دارد؟! ببینید به چه زیبایی می‌فرمایند: **«فصارت القراءتان كآيتين»؛** مثل این است که ما دو آیه قرآن داریم. «فيجب العمل بهما»؛ به هر دو عمل کنید. خب بین آنها چطور جمع می‌کنید؟ می‌گویید «یطهُرن» فقط جواز وطی را می‌گوید؛ یعنی حرمت «لاتقربون» رفت. و «حتی یطهّرن» دارد فضیلت را می‌گوید. خیلی روشن است. ما قبلاً هم مفصل صحبت کردیم.

در اینجا می‌فرمایند باید بین آنها جمع کنیم، چرا؟ چون کآیتین هستند. وقتی مثل دو آیه هستند، چه می‌شود؟ **«فيجب العمل بهما فتحمل عند الاغتسال و عند الانقطاع، أو نقول: يحمل قراءة التّشديد على الاستحباب، و الأولى على الجواز»**؛ یکی از آنها استحباب است و یکی از آنها جواز است. **«صونا للقراءتين عن التّنافي»؛** دو قرائت که متنافی نیستند. پس یکی از آنها حکم مستحبی را می‌گوید و دیگری وجوب را می‌گوید. هیچ تنافی هم با هم ندارند.

ببینید این دیدگاه علامه در همین کتاب است که وقتی دو قرائت می‌آید. حالا این جایی که می‌خواندیم و دو عبارت را نقل کردیم را ببینیم. عبارتی که ما خواندیم در مسأله ششم است. من مسأله پنجم و ششم را می‌خوانم، شما ببینید ظاهر است یا بیش از آن است.

> **الخامس: يقرأ بما نقل متواترا في المصحف الذّي يقرأ به النّاس أجمع و ال يعوّل على ما يوجد في مصحف ابن مسعود، لأنّ القرآن ثبت بالتّواتر و مصحف ابن مسعود لم يثبت متواترا، و لو قرأ به بطلت صلاته، خلافا لبعض الجمهور.لنا: أنّه قرأ بغير القرآن فلا يكون مجزئ[2]**

«الخامس: يقرأ بما نقل متواترا في المصحف الذّي يقرأ به النّاس أجمع»؛ خب شاید معنای متواتر یعنی متواتر از قراء سبعه. ولو بعد از آنها متواتر نباشد. میخواهم ظاهر را جلو بروم و ببینیم چه میگویند. «اجمع» چه چیزی است؟ مصحف عثمان است. **«و ال يعوّل على ما يوجد في مصحف ابن مسعود، لأنّ القرآن ثبت بالتّواتر و مصحف ابن مسعود لم يثبت متواترا، و لو قرأ به بطلت صلاته، خلافا لبعض الجمهور»؛** چرا این بعض جمهور اشتباه کردهاند؟ **«لنا: أنّه قرأ بغير القرآن فلا يكون مجزئ»؛** وقتی شما قرائت ابن مسعود را خواندهاید، قرآن نخواندهاید. اشتغال یقینی اجزاء یقینی و برائت یقینی میخواهد. قرآن متواتر قطعاً قرآن است و مجزی است. اما قرائت ابن مسعود اینطور نیست؛ «أنّه قرأ بغير القرآن».

این پنجم بود، حال به سادس میآییم.

> **السّادس: يجوز أن يقرأ بأيّ قراءة شاء من السّبع لتواترها أجمع و ال يجوز أن يقرأ بالشّاذّ و إن اتّصلت روايته، لعدم تواترها و أحبّ القراءات إليّ ما قرأه عاصم من طريق أبي بكر بن عيّاش، و قراءة أبي عمرو بن العلاء، فإنّهما أولى من قراءة حمزة و الكسائي[3]**

«السّادس: يجوز أن يقرأ بأيّ قراءة شاء من السّبع لتواترها أجمع»؛ این تواتر یعنی تواتر تا عاصم؟ بعد هم قرآن میشود؟ اصلاً محتمل است که علامه این را بگویند؟! بگویند حرف عاصم حرف خدا شد؟! حرف ناقع حرف خدا شد. مجزی هم هست. چطور مصحف ابن مسعود مجزی نیست؟ اما عاصمی که در مورد آن با هم دعوا دارید مجزی باشد؟! لسان فرمایش علامه کالشمس است که وقتی میگویند «ایّ قراءة شاء من السبعه لتواترها اجمع»، یعنی تواتری که «ثبت انه قرآن». باز هم توضیح میدهند.

«و ال يجوز أن يقرأ بالشّاذّ و إن اتّصلت روايته»؛ صحیح السند هم باشد ایشان قائل نیستند- برخلاف مثل ابن جزری- ایشان میگویند حتی اگر صحیح هم باشد درست نیست. چرا؟« **لعدم تواترها»؛** چون متواتر نیست. وقتی متواتر نیست مجزی نیست. روایت صحیحه است! خب باشد.

خب حال کسی بگوید منظور ایشان عاصم، نافع است! خب قرائت و اجتهاد نافع کجا میتواند برای نماز مجزی باشد؟! وقتی خود ما اینها را میدیدیم هفت-هشت سال رفتوبرگشت کردیم، تا اینکه وقتی همه یک جا جمع شد دیدیم زدن این علماء کالشمس بوده که وقتی میگفتند سبع متواتر است، یعنی متواتر است الی رسول الله صلیاللهعلیهوآله. اولین کسی که من بر قولش برخورد کردم، فرمایش صاحب وسائل در کتاب تواتر القرآن بود. خوشحال شدم و آمدم در مباحثه گفتم. چرا؟ چون ما در اینها احتیاط میکردیم. تا اینکه فضا کاملاً روشن شود و مطمئن شویم که چه گفتهاند.

روی این حساب یکی از عباراتی که فضای بحث را عوض می‌کند، این است که بفرمایند «ظاهره فیه القول بتواترها الی النبی»، درحالی‌که اینطور نبوده، بلکه ارسال مسلم بوده؛ نزد شهید اول، شهید ثانی و تمام اینها. با آن توضیحاتی که عرض کردم آنها هم متواتر می‌دانستند. اگر شما می‌خواهید در مقصد آنها مناقشه کنید حرف دیگری است. غیر از این است که به آنها نسبت بدهیم و بگوییم احتمال دارد که آنها تواتر را به‌صورت دیگری معنا کنند.

شاگرد: تعبیر «احب القرآن» که فرمودید تصحیف شده، می‌تواند بار معنایی داشته باشد. یعنی همه اینها قرآن است.

استاد: شاید نسخ کتاب «قرائات» را «قرآن» می‌خواند. در اینجا هم داشت «صوان للقرائتین»، اما نوشته بود «صوان للقرآن». و حال آنکه به نظرم در نسخه «صوان للقرائتین» باشد. نه «صوان للقرآن». اینجا قرآن نوشته و آن جا هم قرآن نوشته است. نمی‌دانم چطور بوده که نساخ «قرائات» را «قرآن» می دیده و می نوشته.

شاگرد: جاهای دیگر «قرائتین» است.

استاد: بله.

---

[1] منتهی المطلب، ج۲، ص۳۹۵

[2]همان، ج۵،ص۶۴

[3]همان،ج۵،ص۶۴

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 13:02:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 12:45:39 توسط ... .